

شیوه نگارش طرح نامه پژوهشی (پروپوزال)

بسیاری از دانشجویان و پژوهشگران تازه کار، درک درستی از معنا، کارکرد و اهمیت پروپوزال پژوهشی ندارند. کیفیت پژوهش، نسبت مستقیمی با کیفیت پروپوزال دارد. پروپوزال بد حتی اگر به تصویب هم برسد، پروژه را خراب می کند. پروپوزال خوب، برعکس نه تنها موفقیت پروژه را نوید می دهد، بلکه کمیته پروژه را نیز در به رسمیت شناختن شما به عنوان پژوهشگری توانا تحت تأثیر قرار می دهد. هدف از پروپوزال پژوهشی آن است که دیگران باور کنند که شما قصد انجام پروژه پژوهشی ارزشمندی را در سر دارید و شایسته انجام آن هستید و برنامه کاری مناسبی برای تکمیل آن دارید. اصولاً هر پروپوزال پژوهشی باید همه عناصر کلیدی مندرج در فرآیند پژوهشی را داشته باشد و اطلاعاتی کافی را به خواننده بدهد تا بتواند به ارزیابی پژوهش پیشنهادی بپردازد.

همه پروپوزال های پژوهشی، صرف نظر از حوزه پژوهش و روشی که برای انجام آن بر می گزینند، باید به سه پرسش زیر پاسخ دهند:

۱ آنچه که می خواهید انجام دهید، چیست؟

۲ چرا می خواهید آن را انجام دهید؟

۳ چگونه آن را انجام خواهید داد؟

پروپوزال باید حاوی اطلاعاتی باشد که خوانندگانش متقاعد شوند که شما ایده پژوهشی مهمی در سر دارید، دریافت درستی از ادبیات موضوع و مباحث مهم مربوط به آن دارید و در نهایت آنکه روش شما روشی معتبر است.

کیفیت پروپوزال پژوهشی شما نه تنها به کیفیت پروژه پیشنهادی، بلکه به چگونگی نگارش پروپوزال شما بستگی دارد. این خطر وجود دارد که یک پروژه پژوهشی خوب به دلیل آنکه پروپوزال آن نگارش خوبی ندارد، رد شود. از این رو، به صلاح است که نگارش شما منسجم، روشن و برانگیزاننده باشد. هدف از این موضوع، تمرکز شیوه نگارشی پروپوزال است و نه نحوه بسط ایده های پژوهشی.

عنوان

عنوان پژوهشی باید مختصر و توصیفگر باشد. برای مثال می توان عبارت "پژوهشی درباره " را به کار نبرد. عنوان ها اغلب بر حسب کارکرد پژوهش بیان می شوند، زیرا چنین عنوان هایی به روشنی نشان دهنده متغیرهای مستقل و وابسته هستند. با وجود این، در صورت امکان، عنوانی روشنتر و جذاب انتخاب کنید. یک عنوان خوب نه تنها توجه خواننده را جلب می کند، بلکه باعث می شود او جهت گیری مثبتی به پروپوزال پیدا کند.

چکیده

چکیده خلاصه کوتاهی از کل پروپوزال است که نباید بیش از حدود ۳۰۰ کلمه باشد. چکیده باید شامل بیان مسئله، ضرورت پژوهش، فرضیه (در صورت وجود)، روش و یافته های اصلی پژوهش باشد. توصیف روش می تواند شامل طراحی، روال کار، نمونه گیری و ابزار مورد استفاده باشد.

مقدمه

هدف اصلی از نگارش مقدمه، ایجاد پیشینه یا بستر لازم برای مسئله پژوهشی شماست. چگونگی صورت‌بندی مسئله پژوهش، شاید بزرگترین مشکل نگارش پروپوزال باشد. اگر مسئله پژوهش در بستر ادبیاتی عام و پریشان شکل گرفته باشد، در آن صورت بی‌مایه و غیرجالب می‌نماید، اما اگر همان مسئله در بستر حوزه پژوهشی بسیار دقیق و روزآمدی جای گرفته باشد، آنگاه اهمیتش آشکار خواهد شد.

متأسفانه قانون خاصی برای چگونگی نگارش پاراگراف آغازین که هم جالب و هم روشن‌نگر باشد، وجود ندارد. این امر تا حدود زیادی به خلاقیت شما و عمق درکی که از جوانب مسئله دارید بستگی دارد، و اینکه تا چه حدی می‌توانید به نحوی روشن، به مسئله پژوهش بیندیشید.

با وجود این، بکوشید نخست مسئله پژوهش خود را یا بر بستری از حوزه‌ای داغ و امروزی جای دهید یا بر حوزه‌ای قدیمی‌تر که هنوز زنده و مورد توجه است. دوم آنکه لازم است پیشینه تاریخی مختصر اما درخوری به دست دهید. سوم آنکه، بستری امروزی فراهم آورید چنانکه در چنین بستری، مسئله پژوهش پیشنهادی شما جایگاهی محوری پیدا کند و در نهایت باید بازیگران کلیدی را شناسایی کنید و به مربوط‌ترین و نمایاننده‌ترین موارد و مطالب منتشر شده اشاره کنید. خلاصه آنکه بکوشید مسئله پژوهش‌تان را تا حد امکان برجسته سازید و در عین حال اهمیتش را توضیح دهید.

مقدمه معمولاً با عبارتی کلی درباره حوزه مسئله پژوهش و تمرکز بر مسئله‌ای خاص آغاز می‌شود. به دنبال آن نیز توجیه یا دلیل منطقی پرداختن به چنین مطالعه‌ای می‌آید. مقدمه معمولاً موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- ۱ بیان مسئله پژوهش، که اغلب با عنوان هدف از پژوهش نیز نام برده می‌شود.
- ۲ فراهم آوردن بستر و آرایش صحنه برای مسئله پژوهش‌تان، به نحوی که ضرورت و اهمیت آن را نشان دهد.
- ۳ ارائه دلیل منطقی مطالعه پیشنهادی و نشان دادن چرایی ارزشمندی انجام آن.
- ۴ شرح مختصر مباحث عمده و مسائل فرعی‌ای که پژوهشی به آنها می‌پردازد.
- ۵ شناسایی متغیرهای مستقل و وابسته آزمایش یا مشخص کردن پدیده‌ای که می‌خواهید مطالعه کنید.
- ۶ بیان فرضیه یا نظریه (اگر وجود دارد). در پژوهش‌های اکتشافی یا پدیدار شناختی، نیازی به داشتن فرضیه نیست (لطفاً فرضیه را با گمانه‌های آماری بی‌اهمیت اشتباه نگیرید).
- ۷ تعیین حدود یا مرزهای پژوهش پیشنهادی برای رسیدن به تمرکز روشن.
- ۸ ارائه تعاریفی از مفاهیم کلیدی (این مورد اختیاری است).



مرور ادبیات پژوهش

گاهی مرور ادبیات پژوهش در بخش مقدمه جای می‌گیرد. با وجود این، بیشتر تصمیم‌گیران و تصویب‌کنندگان پروپوزال‌ها ترجیح می‌دهند بخش جداگانه‌ای به این امر اختصاص یابد که در آن، مروری کلی بر ادبیات پژوهش انجام شده باشد. مرور ادبیات پژوهش کارکردهای مهمی دارد از جمله:

- ۱- این اطمینان را فراهم می‌آورد که شما آنچه را که پیش از این گفته شده است، تکرار نخواهید کرد.
- ۲- به کسانی که شالوده پژوهش شما را بنیان نهاده‌اند، اعتبار می‌بخشید.
- ۳- دانش شما را پیرامون مسئله پژوهشی، نشان می‌دهد.
- ۴- درک شما را از مباحث پژوهشی و نظری مربوط به مسئله پژوهش نشان می‌دهد.
- ۵- توانایی شما را در ارزیابی انتقادی اطلاعات ادبیات مربوط به موضوع، آشکار می‌کند.
- ۶- توانایی شما را در ترکیب و سنتز ادبیات موجود نشان می‌دهد.
- ۷- دریافت‌های نظری جدید به دست می‌دهد یا الگوی جدید ارائه می‌کند که همان چهارچوب مفهومی پژوهش‌تان است.
- ۸- خواننده‌تان را متقاعد می‌کند که پژوهش، پیشنهادی در غنی‌سازی ادبیات موضوع مشارکتی مهم و بنیادی خواهد داشت (یعنی مشکل نظری مهمی را حل یا شکاف بزرگی را در ادبیات مورد نظر پر می‌کند).

بیشتر پژوهشگران تازه‌کار در مرور ادبیات تحقیق، دچار این مشکلات هستند:

- ۱- فقدان سامان و ساختار
- ۲- فقدان تمرکز، وحدت و انسجام
- ۳- تکراری بودن
- ۴- کوتاهی در ذکر مقالات و آثار پر نفوذ
- ۵- ناتوانی در همراهی با پیشرفت‌های جدید
- ۶- ناتوانی در ارزیابی انتقادی مقالات و آثار ذکر شده
- ۷- ذکر منابع نامربوط و نامعتبر
- ۸- وابستگی بیش از حد به منابع دست دوم

در صورت وجود هر یک از نقایص بالا در پروپوزال، بعدها با مشکل مواجه خواهید شد.

راههای گوناگون برای تنظیم ادبیات پژوهش وجود دارد. برای آنکه مرور ادبیات پژوهش تان نظم و انسجام یابد، از تیتراهای فرعی استفاده کنید. برای مثال، پس از اشاره به اهمیت حوزه پژوهشی تان و وضعیت کنونی پیشرفت های این حوزه، می توانید زیر بخش های متعددی را به مباحث مرتبط اختصاص دهید. از جمله: الگوهای نظری، ابزار اندازه گیری، تفاوت های فرهنگی و جنسیتی و غیره.

به خاطر داشتن این نکته سودمند است که شما می خواهید داستانی برای مخاطبانی نقل کنید. بکشید این داستان را به گونه ای برانگیزه کننده و درگیرکننده نقل کنید، حوصله آنان را سر نبرید، زیرا ممکن است منجر به رد پروپوزال احتمالاً ارزشمند شما شود. (فراموش نکنید که ارزیابان پروپوزال ما نیز به هر حال انسان هستند).

روش

بخش روش بسیار مهم است زیرا نشان می دهد که شما چگونه به مسائل پژوهش می پردازید. این بخش نشان دهنده برنامه کاری شماست و فعالیتهای ضروری برای کامل شدن پروژه را شرح می دهد.

اصل راهنمای نگارش بخش روش این است که باید در بردارنده اطلاعات کافی باشد تا خواننده بتواند تعیین کند که آیا روش شما معتبر است یا نه. حتی برخی می گویند که پروپوزال خوب باید واجد چنان جزئیاتی باشد که پژوهشگر صلاحیت دار دیگری نیز بتواند آن پروژه را به انجام برساند.

لازم است نشان دهید که از روش های جایگزین نیز شناختی کافی دارید، و بر اساس این شناخت به گونه ای از روش خود دفاع کنید که گویی مناسب ترین و معتبرترین راه پرداختن به مسئله پژوهشی است.

لطفاً توجه داشته باشید که ممکن است روش پژوهش کیفی بهترین پاسخ را به مسئله پژوهشی تان بدهد. اما از آنجا که جریان غالب پژوهشگری هنوز هم علیه پژوهش های کیفی به ویژه انواع پدیدار شناختی آن دچار پیشداوری است، لازم است که روش کیفی تان را به خوبی توجیه کنید. علاوه بر این چون تحلیل کیفی ملاکها و رسوم چندان تثبیت شده و پذیرفته شده ای ندارد، بخش روش پروپوزال شما باید بسیار پرداخته تر و پخته تر از آنچه که در سنت پژوهشی های کمی نیز است باشد.

مهم تر آنکه، فرایند گردآوری داده ها در پژوهش های کیفی در مقایسه با پژوهش های کمی تأثیر بسیار بیشتری بر نتایج پژوهش می گذارد. به همین دلیل توصیف چگونگی جمع آوری و تحلیل داده ها، توجه و دقت بسیاری می طلبد (شیوه نگارش بخش روش برای پژوهش های کیفی، موضوعی است در خور مقاله ای دیگر).

اما بخش روش در پژوهش های کمی عموماً باید دارای بخش های زیر باشد:

۱- طراحی - آیا روش شما مطالعه ای پرسشنامه ای است یا تجربه ای آزمایشگاهی؟ کدام گزینه را برمی گزینید؟

۲- سوزها یا نمونه ها - چه کسانی در بررسی شما مشارکت می کنند؟ از چه نوع نمونه گیری استفاده می کنید؟

۳- ابزار - چه نوع ابزار اندازه گیری یا پرسشنامه را بکار می برید؟ آیا آنها را انتخاب می کنید؟ آیا آنها معتبر و قابل اعتمادند؟

۴ روال بررسی - چه برنامه‌ای برای انجام بررسی‌تان دارید؟ چه فعالیت‌هایی خواهید کرد؟ چقدر طول خواهد کشید؟

نتایج

روشن است که در مرحله پروپوزال، نتیجه‌ای نمی‌توانید داشته باشید. اما لازم است که تصویری از نوع داده‌هایی که می‌خواهید گرد آورید، و شیوه‌های آمارگیری‌ای که به کار خواهید برد داشته باشید تا بتوانید به مسئله پژوهش پاسخ دهید یا فرضیه‌تان را به محک آزمایش درآورید.

برآورد زمان و هزینه

ملاک‌ها و معیارهای چندان دقیقی برای تعیین زمان و هزینه مورد نیاز پژوهش در پروپوزال وجود ندارد. اما یک اصل مهم در این زمینه وجود دارد و آن این است که زمان و هزینه پیشنهادی تا حد امکان باید با ذکر جزئیات و زیربخش‌های متناسب با کل پژوهش ذکر شود. به عنوان مثال میتوان کل پژوهش را به سه یا چهار مرحله تقسیم کرد، بدین گونه: **مرحله اول:** تعیین جامعه آماری و نمونه‌ها، **مرحله دوم:** تنظیم پرسشنامه (یا آماده سازی لوازم آزمایش)، **مرحله سوم:** پیمایش، **مرحله چهارم:** تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری. به نسبت حجم جامعه آماری و تعداد همکاران طرح می‌توان زمانی را به هر یک از این مراحل اختصاص داد و آن را در جدولی که امکان مقایسه آسان مراحل در آن وجود دارد تنظیم کرد. برای ارائه بودجه پیشنهادی نیز می‌توان یا بر اساس الگوی مرحله‌ای اقدام کرد یا بر اساس میزان کاری که مجری یا مجریان طرح بر حسب نفر/ساعت انجام خواهند داد. بهتر است در هر دو حالت، هزینه‌های جنبی از قبیل سفر، تجهیزات و غیره نیز به صورت جداگانه ذکر شود.

مذاکره

پس از پایان نگارش پروپوزال و ارائه آن به هیأت تصمیم‌گیرنده، بهتر است مذاکره‌ای حضوری نیز با آنان برای توجیه و دفاع از پروپوزال انجام شود. بسیار مهم است که خوانندگان شما متقاعد شوند که پژوهش تأثیر بالقوه مهمی بر پیشرفت‌های آن حوزه پژوهش خواهد داشت. لازم است حس اشتیاق و اطمینان خود را بدون بزرگنمایی مزیت‌های پروپوزال، منتقل کنید. به همین دلیل نیز باید به محدودیت‌ها و ضعف‌های پژوهش پیشنهادی اشاره کنید که البته به مرور زمان بر طرف خواهد شد.

خطاهای رایج در پروپوزال نویسی

۱ ناتوانی در ارائه بستری مناسب برای تنظیم مسئله پژوهش.

۲ ضعف در تعیین شرایط محدود کننده پژوهش.

۳ ضعف در ذکر منابع راهنما.

۴ ناتوانی در ارائه درست نحوه مشارکت نظری و تجربی دیگر پژوهشگران.

باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان



دانشگاه آزاد اسلامی قوچان- طبقه منهای یک دانشکده فنی و مهندسی- دفتر باشگاه پژوهشگران جوان

<http://bpjq.iauq.ac.ir> - bpj_iauq@yahoo.com

۵ ضعف در تمرکز بر مسئله پژوهش.

۶ ضعف در پردازش استدلال‌هایی منسجم و متقاعد کننده برای پژوهش پیشنهادی.

۷ طولانی کردن موضوعات کم‌اهمیت و ایجاز موضوعات مهم .

۸ این شاخ و آن شاخ پریدن- سرک کشیدن به هر جا بدون جهت‌گیری خاص.

۹ خطاهای متعدد در نقل قول ها و ارجاعات نادرست.

۱۰ کوتاهی یا بلندی بیش از حد.

۱۱ نگارش شلخته و بی سامان.